

مقایسه اصلاحات اقتصادی ایران و ژاپن بین سال‌های ۱۸۴۸-۱۹۰۶م/۱۲۶۴-۱۳۲۴ق

سعید آرتی^۱

دکترسید اصغر محمود آبادی^۲

دکتر کیوان لولویی^۳

چکیده

شروع اصلاحات در ایران با نیاز به نوسازی ارتش در آغاز جنگ‌های دوره‌ای ایران و روسیه همزمان شد (۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ ه.ق / ۱۸۲۶ تا ۱۸۲۸ م؛ ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ ه.ق / ۱۸۰۳ تا ۱۸۱۳ م). اصلاحات در ژاپن نیز در نتیجه‌ی اعمال فشار آمریکا و غرب برای بازگشایی درهای این کشور به‌روی جهان خارج با به‌عرصه‌ی ظهور نهاد. در این میان، هر چند اندیشه هر دو دولت حفظ استقلال و جلوگیری از زیاده‌طلبی‌های کشورهای غربی بود، اما شیوه‌ی اجرا در دو کشور به‌نتایج کاملاً متفاوت رسید. تلاش‌های افرادی نظیر عباس میرزا، قائم مقام، امیر کبیر و سپهسالار، به منظور ایجاد ارتشی مدرن و اقتصادی پویا، با شکست مواجه شد.

از طرف دیگر، کشور ژاپن که ۲۵۰ سال در انزوای مطلق زیست، توانست با تلاش گروه‌های اصلاح‌طلب که واقع‌گرایی، سخت‌کوشی، نظم و احساس مسئولیت را سرلوحه کار خود قرار داده بودند، پس از مدت زمانی، این کشور را از لحاظ سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی به یکی از ابرقدرت‌های جهان تبدیل نماید.

این پژوهش سعی می‌کند با نگاهی نو، به مقایسه‌ی وضعیت اصلاحات اقتصادی ایران و ژاپن

پردازد.

واژگان کلیدی: ایران، ژاپن، ناصرالدین شاه، امپراتور میجی، اصلاحات

۱. کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات

۲. دانشیار دانشگاه اصفهان

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات

تاریخ دریافت: تابستان ۱۳۹۰ تاریخ پذیرش: پاییز ۱۳۹۰

مقدمه

در اواخر قرن هجدهم میلادی، بر اثر انقلاب صنعتی، تاریخ سیاسی مغرب زمین دستخوش دگرگونی‌های عمیقی شد. طی این مدت اروپا شاهد رشد روز افزون شهرها و بالا رفتن سطح زندگی مردم بود. بازرگانان بزرگ کشورهای غربی که با رشد روزافزون تولیدات و کالاهای ساخته شده خود روبه‌رو بودند، در صدد یافتن بازارهای بزرگ‌تر و مواد خام ارزان‌تر در اقصی نقاط عالم برآمدند. این اشخاص که از آن پس، برای دستیابی به ثروت و قدرت با اشرافیت زمین‌دار در رقابت بودند، نقش مهمی در روابط خارجی کشورها بازی می‌کردند. فشار این اشخاص صاحب نفوذ به دولت‌ها برای تسلط بر بازارها و منابع ثروت و راه‌های تجاری، آغازگر بسیاری از جنگ‌های استعماری در جهان بود. در تحولات تاریخ معاصر جهان، دو کشور بزرگ ایران و ژاپن با سابقه دیرینه، در قرن نوزدهم میلادی متوجه تغییرات جهانی شدند. در آن زمان کشورهای صنعتی غرب با قوهی قهریه در صدد گشودن بازارهای جهان بودند. به دنبال آن، اقتصادهای سنتی تعادل خود را از دست داد و تولیدات بومی آنان رو به کاهش گذاشت. در این میان، کشورهای متمدن‌تر در اولویت قرار داشتند. امپراتوری‌های عثمانی، هند، چین، ایران و سرانجام ژاپن، یکی پس از دیگری، بعد از مقاومتی ناامیدانه در برابر خواسته‌های نامشروع قدرت‌های غربی، مجبور به پذیرش شرایط آنها شدند. آغاز اصلاحات در ایران، همزمان با نیاز به نوسازی ارتش، در جریان جنگ‌های ایران و روسیه آغاز شد. از یک سو، ایجاد ارتش جدید، نیازمند دستگاه اداری و مالی منطبق با آن بود، و از سوی دیگر، چنین دستگاہی نظارت بیشتر بر منابع مالی و اقتصادی کشور را می‌طلبید. در کشور ژاپن نیز اصلاحات در نتیجهی اعمال فشار آمریکا برای بازگشایی درهای این کشور شروع شد. در این پژوهش، فرضیه بر این مبنا قرار دارد که اصلاحات هر دو کشور برپایه‌ی نیازها و الگوپرداری از غرب پدید آمد. اما هر چند نگاه هر دو کشور به اصلاحات به‌عنوان یک نیاز در برابر سلطه‌جویی‌های خارجی بود، ولی سؤال در این است که، چرا نتیجه‌ی حاصل از اصلاحات اقتصادی در ایران و ژاپن پی‌آمدهای متفاوتی برای آینده دو کشور به ارمغان آورد؟ در این مقاله سعی می‌شود بدین پرسش، پاسخ داده شود.

ایران و اصلاحات اقتصادی

آقا محمد خان (۱۱۹۳-۱۲۱۲ه.ق)، مؤسس سلسله قاجاریه، نمونه‌ی یک رئیس ایلاتی بود. وی از طریق شبکه‌های ارتباطی طایفه‌ای برای قدرت جنگید، آن را به دست آورد و مستحکم کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۴۸). آقا محمد خان بجز جلب رضایت لشکریانی که از مردم چادر نشین ایران با خود همراه کرده بود، در آسایش طبقات دیگر مردم اندک کوششی نکرد. شیوه‌ی زندگی وی ساده و بدون تشریفات بود. در زمان وی تشریفات درباری به حداقل ممکن رسیده بود (نفیسی، ۱۳۶۶: ۷۲). در تاریخ عضدی نقل است: «وقتی جهانبانی پلو را در حضور عم بزرگوارش میل فرمودند، فوراً قاب پلو را از تغییر بر سر برادرزاده خود شکست و فریاد می‌کرد که ایران من طاقت و وسعت خوردن خورش با پلو را ندارد» (عضدالدوله، ۱۳۹۰: ۱۱۳). آقا محمدخان کشوری با خزانه‌ای پر، برای جانشین خود فتحعلی‌شاه به جای گذاشت. خزانه‌ی به جای گذاشته در حدی بود، که علاوه بر ریخت و پاش‌های حرم سرا و دربار فتحعلی‌شاه، از عهده‌ی مخارج دو دوره جنگ‌های ایران و روسیه نیز برآید. محمدتقی لسان‌الملک سپهر در *ناسخ‌التواریخ* تعداد فرزندان فتحعلی‌شاه را ۲۶۰ تن می‌نویسد که از این میان ۱۰۱ تن بعد از مرگ پدر در قید حیات بودند (سپهر، ۱۳۷۷: ۵۲۳).

مهدی قلی‌خان هدایت (مخبرالسلطنه) نیز می‌گوید: «مالیات ایران قریب دو کروور بوده، دو سه کروور هم به رسم پیشکش به خزانه می‌رسید. این مقدار اگر به اعتدال اخذ می‌شد مهم نبود، تعدی حکام و عمال بار رعیت را سنگین می‌کرد. قشون و حکام تحمیل بر ولایت می‌شد. بزرگ‌ترین تحمیل، اولاد خاقان بودند که به هریک ولایتی تفویض می‌گشت و کسی قدرت شکایت نداشت. معروف است که سیب‌زمینی به ایران آورده بودند، شاه گفته بود به ما چه پیشکش می‌دهند که اجازه کشت بدهیم» (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۳: ۴۸).

در دوره‌ی کوتاه صدارت میرزا ابولقاسم قائم مقام، وضع مالیه و دخل و خرج کشور نظم کلی پیدا کرد. وی برای دربار و شاه حقوق ثابت برقرار کرد. مواجب دیوانیان و خیلی از مستمری‌ها را محدود ساخت. پس از قائم مقام، وضع مالی ایران دچار بحران گشت. (آدمیت،

۱۳۸۵: ۲۶۵). بی‌تدبیری و بی‌کفایتی حاجی میرزا آقاسی صدراعظم درویش مسلک محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ه.ق) در اداره امور کشور، باعث تهی شدن خزانه از پول شد.

در چنین نظام حکومتی‌ای که دنباله سلطنت استبدادی دوران گذشته بود، شاه مالک جان و مال و ناموس رعایای کشور خود بود. صدراعظم که باید پس از شاه دومین شخص تأثیرگذار در کشور باشد، هیچ‌گونه تأمین جانی و مالی نداشت. ابراهیم‌خان کلانتر به‌دستور فتحعلی شاه به قتل رسید (۱۲۱۵ه.ق). قائم مقام طبق فرمان محمد شاه کشته شد (۱۲۵۱ه.ق). حاجی میرزا آقاسی پس از مرگ محمد شاه (ششم شوال ۱۲۶۴ه.ق) از ترس مخالفانش به عبدالعظیم پناهنده شد. در *سفرنامه‌ی پولاک* داریم: «حاجی به شاهزاده عبدالعظیم پناهنده شده، اما مهر مملکت را نیز با خود به‌همراه برد و با آن به‌صدور حواله‌های هنگفت به‌عهده‌ی خزانه‌ی مملکت پرداخت و آن مبالغ را بین هواخواهانش تقسیم کرد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۷۱).

خور موجی در کتاب خود، *حقایق الاخبار ناصری*، به‌همین نکته اشاره می‌کند: «شاه نه تنها مالک جان مردم، بلکه مالک جان و مال شاهزادگان نیز است و حتی شاهزادگان و صدراعظم‌ها نیز تأمین مالی و جانی ندارند. محمد شاه برادر خود را کور کرد. حسینقلی خان برادر فتحعلی شاه به‌دستور شاه کور شد» (خورموجی، ۱۳۶۳: ۱۲).

این ترس و ناامنی گریبان‌گیر شاهزادگان مهم کشور نیز شده بود. رنه دالمانی می‌نویسد: «ظل‌السلطان (فرزند ناصرالدین شاه) از ثروتی هنگفت برخوردار است. می‌گویند سرمایه‌ی نقدی وی بالغ بر ۱۵۰ میلیون فرانک فرانسه است. وی بخش اعظم ثروت نقدی خود را به بانک‌های اروپایی سپرده است» (رنه‌دالمانی، ۱۳۷۸: ۵۳۸).

در دوره‌ی صدارت امیرکبیر (۱۲۶۴-۱۲۶۸ه.ق)، اصلاحات گسترده سبب جهش بزرگ فرهنگی و اقتصادی شد. به‌همین دلیل، در راه بیداری افکار جامعه، روزنامه، و برای ترویج علوم جدید، دارالفنون ایجاد شد. دارالفنون به‌عنوان یک بنیاد فرهنگ نو، در سه جهت اصلی در هیئت جامعه ایران تأثیر بخشید: یکی، از نظر تحول عقلانی که با نشر اصول علمی جدید، نقص تعالیم پیشینیان را تا اندازه‌ای آشکار ساخت. دوم، این که از نخستین سال گشایش دارالفنون، معلمان به نگارش کتاب‌های جدید پرداختند که بر اثر آن دانش غربی در میان

طبقات وسیع‌تری از اجتماع شناخته شد؛ و سوم، باگذشت زمان از فارغ‌التحصیلان آن مدرسه، صنف تازه‌ای پدید آمد که بیش‌تر از فرزندان دیوانیان، لشکریان، درباریان و برخی شاهزادگان بودند.

این طبقه به روشن‌فکری گرایید و از میان آنان اشخاص ترقی‌خواهی برخاستند که در تحول فکری دو نسل بعد اثر گذاشتند (آدمیت، همان: ۳۵۴-۳۵۵). مهم‌ترین سیاست مالی امیرکبیر در این رابطه، بر دو پایه استوار بود: یکی کاستن از مخارج دولت، و دیگری افزایش درآمدهای آن. لسان‌الملک سپهر در همین رابطه می‌گوید: «دبیران حضرت مستوفیان درگاه را طلب نموده، جریده جمع و خرج حساب ایران را از ایشان بجست و دو کرور تومان خرج را بر جمع افزون یافت. پس طبقات شاهزادگان بزرگ را تا چاکران خرد، نام هر کسی را از مستوفیان درگاه و عارضان سپاه همی بخواست و از مرسوم و مواجب ایشان لختی بکاست و دراین امر وضع و شریف و قوی و ضعیف را به یک دست بهره فرستاد تا هیچکس را به کسی سخره نباشد» (سپهر، همان: ۹۷۰).

امیر در این راه در راستای تعدیل بودجه‌ی حکومت، حتی از حقوق شاه کم کرد. در این کار شیوه‌ی قائم مقام را پیش گرفت و مقدار آن را ماهی دو هزار تومان مقرر داشت (آدمیت، همان: ۲۶۹).

هرچند در طی این دوره نشانه‌هایی از تحول اقتصادی در ایران به چشم می‌خورد، اما با این حال، اقتصاد ایران فاصله زیادی با ممالک متمدن جهان داشت. منبع اصلی درآمد حکومت مالیات ارضی بود که به صورت نقدی و جنسی پرداخت می‌شد. کرزن در این باره می‌گوید: درآمدها به دو طریق دریافت می‌شد:

۱. مالیات یا درآمدهای ثابت؛ ۲. سیورسات یا درآمدهای غیرمنظم.
۳. خالصه؛
۴. اجاره بهاء. سیورسات از سه منبع حاصل می‌شد: ۱. مصادره‌های عمومی؛ ۲. پیشکش‌ها در ایام نوروز؛ ۳. پیشکش‌های فوق‌العاده که از هدایا، جرائم، رشوه‌ها، مصادره‌ها و غیره اخذ می‌شد (کرزن، ۱۳۸۷: ۵۶۰).

بعد از مرگ امیر، بی‌نظمی دوباره بر اقتصاد ایران سایه افکند؛ به طوری که میزان مواجب صدراعظم، (میرزا آقاخان نوری) که چهل و دو هزار تومان بود، چند سال بعد مبلغ هیجده هزار تومان بر حقوق سالیانه‌اش افزوده گشت و به سالی شصت هزار تومان، معادل سی هزار لیره انگلیس، رسید. این در حالی بود که حقوق صدراعظم انگلیس سالی پنج هزار لیره بود. میرزا آقا خان این مبلغ را هم ناچیز می‌دانست و سالی صد و ده هزار تومان به‌عنوان پیشکش و ارتشاء دریافت می‌نمود (آدمیت، همان: ۲۸۴). میرزا آقا خان نوری که سال‌ها پشتیبانی کشور انگلیس را داشت، با حمایت مهدعلیا و سفیر انگلیس، سه عامل عمده در قتل امیر کبیر بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۴۵۸).

اعتمادالسلطنه در شرح وقایع سال ۱۲۹۴ ه.ق، در تاریخ منتظم ناصری میزان مواجب سالیانه رئیس جمهور آمریکا را برابر سالی پنجاه هزار دلار (هر یک دلار معادل پنج قران)، یا معادل بیست و پنج هزار تومان می‌داند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۹۷۵). میرزا حسین خان سپهسالار، دومین صدراعظم اصلاح طلب ایران پس از امیرکبیر بود. وی در ۲۹ شعبان ۱۲۸۸ ه.ق، طی فرمان ناصرالدین شاه به‌صدارت رسید. دولت از نظر سپهسالار سه ویژگی کلی داشت: اول این که عامل ترقی باشد؛ دوم قدرت دولت به خیر جامعه به‌کار بسته شود؛ و سوم این که حقوق افراد مشخص باشد و دولت دستگاهی به وجود آورد که پاسدار آن حقوق باشد. درهمین راستا، نخستین طرح رسمی قانون اساسی، مشتمل بر ده اصل، با همکاری میرزا یوسف خان مستشارالدوله (فوت ۱۳۱۳ ه.ق) به نگارش درآمد. هر چند این لایحه هیچ‌گاه به تصویب ناصرالدین شاه نرسید (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۹۲). در راستای اصلاح امور مالی و گمرکی و اوزان، میرزا حسین خان یک هیئت بیست و چند نفری اتریشی را استخدام نمود. هر چند بجز ضرب سکه، هیچ پیشرفتی در سایر دستگاه‌ها به‌وجود نیامد (آدمیت، همان: ۳۱۲).

کردار و منش سپهسالار مخالف عقاید بسیاری از درباریان و شخص ناصرالدین شاه بود. شرح روزنامه‌ی *خاطرات اعتمادالسلطنه*، مؤید این گفتار است:

«سه شنبه ۲۲ ذی‌حجه‌ی ۱۲۹۸ه.ق»

این شخص (سپهسالار) با جمیع صفات ذمیمه که داشت خیلی عاقل و دانا بود و از پولتیک و اصول فرنگ مطلع بود اگر پادشاه او را بواسطه ترقیات زیاد دیوانه نکرده بود، بهترین خدمتکار دولت می‌شد. اما در ظرف یک سال وزیر عدلیه، بعد وزیر جنگ بعد صدر اعظم آنهم به آن استقلال که فی الواقع تفویض سلطنت به او بود. به این جهت دیوانه شده بود و مغرور طوریکه امروز شاه می‌فرمود نسبت بمن جسارت زیاد می‌کرد ...

(شاه) اظهار تاسف ظاهری کردند (از مرگ سپهسالار) در باطن چندان متالم نبودند زیرا که می‌فرمودند این مرد بحالتی رسیده بود که جز مرگ برای او چاره نبود. ما را همیشه در زحمت داشت. بلکه یک نوع مدحت پاشا (صدراعظم اصلاح طلب عثمانی) را داشت» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

یکی از عوامل بازدارنده اصلاحات در ایران، فروش حکومت ایالات و ولایات به اشخاص و شاهزادگان بود. بر طبق این کار، فردی که داوطلب حکومت یکی از ایالات می‌شد، باید برای آن منصب به شخص شاه پیش‌کشی تقدیم می‌کرد. در عوض، فرد خریدار دو برابر آن مبلغ را با ظلم و تعدی از مردم می‌گرفت. یکی از این نمونه‌ها، در *خاطرات حاج سیاح آمده است*: رجب ۱۲۹۴ ه.ق «فرهاد میرزا معتمدالدوله حاکم فارس از مشیرالملک بازرگان معروف آن منطقه، یکصد و بیست هزار تومان و یکصد و بیست قاطر گرفته پولها را به آنها بار کرده و یکصد و بیست طاقه شال کشمیر هم گرفته روی بارها کشیده برای شاه به تهران فرستاد» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۱۶).

ایران در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه و در طول سلطنت مظفرالدین شاه، دست به استقراض از کشورهای مختلف زد. تا ۲۴ رجب ۱۳۳۱ ه.ق، مجموع این قروض به ۶/۷۵۴/۰۰۰ لیره‌ی انگلیس، معادل ۳۶/۴۷۲/۰۰۰ تومان رسیده بود. از این مبلغ ۴/۷۵۰/۰۰۰ لیره‌ی آن بدهی دولت ایران به روسیه، و ۲/۰۰۴/۰۰۰ لیره‌ی دیگر آن بدهی دولت ایران به دولت انگلستان بوده است (جمال‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

جدول ۱. قروض دولت ایران بین سال‌های ۱۳۰۶ - ۱۳۲۳ ه. ق (جمال‌زاده، همان: ۱۵۱ و ۱۵۲)

ش. ق	مبلغ قرض	تاریخ	دهنده‌ی وام	مدت وام (سال)	نرخ بهره (درصد)
۱	۴۰/۰۰۰/ لیره	۱۳۰۶ ه. ق/ ۱۸۸۹ م	جرج رویتر	۱۰	۶
۲	۵۰۰/۰۰۰/ لیره	۱۳۰۹ ه. ق/ ۱۸۹۲ م	بانک شاهنشاهی	۴۰	۶
۳	۲۲/۵۰۰/۰۰۰/ منات	۱۳۱۸ ه. ق/ ۱۹۰۰ م	روسیه	۷۵	۵
۴	۱۰/۰۰۰/۰۰۰/ امنات	۱۳۲۰ ه. ق/ ۱۹۰۲ م	روسیه	۷۵	۵
۵	۳۱۴/۲۸۱/ لیره	۱۳۲۲ ه. ق/ ۱۹۰۴ م	بانک شاهنشاهی	۱۵	۵

جدول ۲: واردات و صادرات ایران در طی یک قرن (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۸۲)

۱۲۱۰ ه. ش/ ۱۸۳۰ م	۱۲۳۶ ه. ش/ ۱۸۷۵ م	۱۲۴۷ ه. ش/ ۱۸۶۸ م	۱۲۶۰ ه. ش/ ۱۸۸۰ م	۱۲۷۹ ه. ش/ ۱۹۰۰ م	
۳۰۰۰ (۳۸۰۰)	۳۰۰۰ (۶۸۴۰)	۲۵۰۰ (۶۲۵۰)	۴۶۶۹ (۱۴۶۶۰)	۵۰۰۰ (۲۵۵۵۰)	واردات
-	-	۱۵۰۰ (۳۷۵۰)	۲۳۳۱ (۷۳۱۹)	۳۰۰۰ (۱۵۳۳۰)	صادرات
-	-	۴۰۰۰ (۱۰۰۰۰)	۷۰۰۰ (۲۱۹۸۰)	۸۰۰۰ (۴۰۸۸۰)	کل واردات و صادرات
-	-	۱۰۰۰ (۲۵۰۰)	۲۳۳۸ (-۷۳۴۱)	۲۰۰۰ (-۱۰۲۲۰)	تراز واردات و صادرات

توضیح. جدول بر حسب لیره‌ی انگلیس و ارقام داخل پرانتز معادل آن‌ها به تومان است، که برپایه‌ی نرخ برابری یا نزدیک به تاریخ مربوطه محاسبه شده است.

جدول ۳: نشان‌دهنده درآمد دولت ایران و رشد ثابت آن بین سال‌های ۱۲۱۶-۱۳۲۵ه.ق (فوران، ۱۳۸۸: ۲۱۸)

سال (قمری / میلادی)	برآورد کننده	درآمد به تومان	درآمد به لیره یانگلیس
۱۲۲۲ه. ق / ۱۸۰۷م	گاردان	۲/۰۰۰/۰۰۰/	۲/۰۰۰/۰۰۰/
۱۲۲۵-۱۲۲۶ه. ق / ۱۸۱۰-۱۸۱۱م	مالکوم	-	۳/۰۰۰/۰۰۰/
۱۲۳۵ه. ق / ۱۸۲۰م	فریزر	۲/۵۰۰/۰۰۰/	۲/۳۰۰/۰۰۰/
۱۲۵۲ه. ق / ۱۸۳۶م	عیسوی	۲/۴۶۱/۰۰۰/	-
۱۲۵۵-۱۲۵۶ق / ۱۸۳۹-۱۸۴۰م	رابینو	۳/۴۰۲/۶۱۵/	۱/۸۳۵/۹۹۴/
۱۲۶۹-۱۲۷۰ق / ۱۸۵۳-۱۸۵۴م	رابینو	۳/۳۶۸/۵۵۸/	۱/۱۵۳/۱۶۳/
۱۲۸۵ق / ۱۸۶۸م	تامسون	۵/۰۱۲/۵۰۰/	۱/۹۶۵/۰۰۰/
۱۲۹۳-۱۲۹۴ق / ۱۸۷۶-۱۸۷۷م	رابینو	۵/۰۷۰/۰۰۰/	۱/۹۵۰/۸۰۰/
۱۳۰۶-۱۳۰۷ق / ۱۸۸۸-۱۸۸۹م	کرزن	۵/۵۳۱/۰۰۰/	۱/۶۵۳/۰۰۰/
۱۳۲۵ق / ۱۹۰۷م	جمال‌زاده	۸/۰۰۰/۰۰۰/	۱/۵۳۸/۰۰۰/

در طی سده‌ی نوزدهم و نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم، تأثیر اقتصاد خارجی بر ایران بسیار ضعیف‌تر از همسایگانش بود. به‌عنوان مثال در ۱۲۹۳ه.ش، مبلغ سرانه‌ی تجارت خارجی ایران (صادرات و واردات) ۱۰ دلار بود؛ حال آن‌که این رقم برای عثمانی ۱۵، برای مصر ۲۴، برای هند ۴ دلار بود. کل سرمایه‌گذاری خارجی، در مقایسه با مصر و ترکیه که هریک بیش از یک میلیارد و در هند دو میلیارد دلار برآورد می‌شد، در ایران حدود ۱۵۰ میلیون دلار بود. در ایران هیچ راه‌آهن و یا کارخانه مدرنی وجود نداشت؛ حال آن‌که در ترکیه ۳۵۰۰ کیلومتر، و در مصر ۴۳۰۰ کیلومتر، و در هند ۵۶۰۰۰ کیلومتر راه آهن ساخته شده بود. به‌طورکلی عوامل اصلی‌ای که در ضعف اقتصاد ایران دخالت داشتند، عبارت بودند از: انزوای جغرافیایی ایران؛ تا زمان باز شدن کانال سوئز (۱۸۶۹م) ایران بیش از ۱۸۰۰۰ کیلومتر با اروپای غربی و ۲۵۰۰-۳۵۰۰ کیلومتر با مراکز عمده فعالیت اقتصادی در روسیه فاصله داشت؛ ساختار طبیعی کشور، از جمله سواحل نامناسب، سرزمین کوهستانی و این‌که حاصل خیزترین و ثروتمندترین استان‌های کشور نظیر آذربایجان، گیلان و مازندران، به دریای آزاد راه نداشتند. عامل دیگر فروپاشی و زوال اقتصادی و سیاسی ایران و ضعف

حکومت مرکزی و سلطه بسیار اندک آن بر نواحی وسیعی از کشور بود، که این عامل سبب عدم امنیت در کشور محسوب می‌شد. به همین دلیل، ایران کم‌تر از هندوستان، ماورای قفقاز، مصر و ترکیه، برای سکونت خارجی‌ان جذاب بود. سرانجام، عامل عقب‌نگه دارنده‌ی نیرومند، رقابت روسیه و انگلیس بود که بسیاری از تلاش‌ها را در راستای توسعه‌ی ایران خنثی می‌کرد. به همین دلیل، رخنه اقتصاد خارجی در ایران، نسبت به مناطق همجوارش، دیرتر آغاز شد و روند کندتری پیمود (آوری، ۱۳۸۸: ۴۸۸ و ۴۸۹).

ارزیابی صنعتی شدن ایران را می‌توان در استخدام نیروی کار در این بخش تا اواخر جنگ بین‌الملل اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م) مشاهده نمود. فقط ۱۷۰۰ نفر در کارخانه‌های جدید مشغول به کار بودند. حدود ۷-۸ هزار نفر در شرکت نفت کار می‌کردند و ۱۰۰۰۰۰ نفر نیز در صنایع دستی کار می‌کردند؛ که از این میان ۶۵۰۰۰ نفر در قالی‌بافی و ۲۰۰۰۰ نفر در ریسندگی مشغول به کار بودند (عیسوی، ۱۳۸۸: ۴۰۳).

ژاپن و اصلاحات اقتصادی بین سال‌های ۱۸۴۸-۱۹۰۶م

هنگامی که در سال ۱۸۵۴م درهای ژاپن به وسیله آمریکا باز شد، دویست و پنجاه سال انزوای این کشور تحت نظام فئودالی و جنگ‌سالاران خاتمه یافت. بنیاد این حکومت در اوایل قرن هفدهم میلادی به دست توکوگاوا ایه یاسو، مؤسس خاندان نظامی که تا سال ۱۸۶۸م بر ژاپن حکومت کردند، گذاشته شد. در این نظام طبقه‌بندی شده، افراد جامعه ژاپن به چهار گروه اشراف، جنگ‌جویان، بازرگانان و روستاییان تقسیم‌بندی می‌شدند. سقوط این نظام در نتیجه شکاف عمیق میان طبقات جامعه بود. در چنین جامعه‌ای، در حالی که روستاییان بر اثر خرابی محصول، خشک‌سالی و بهره مالکانه در نهایت سختی زندگی می‌کردند، اشراف و بازرگانان به زندگی مرفه خود ادامه می‌دادند.

روی هم‌رفته، هنگامی که غربیان پای به ژاپن نهادند، نظام فئودالی با فشاری بسیار شدید روبه‌رو بود. در این میان، همکاری طیف وسیعی از اشراف ناراضی جامعه، به‌خصوص طبقه‌ی جنگ‌جویان و بازرگانان، هم‌زمان با ورود نیروهای آمریکایی به خاک ژاپن، توانست موجب سرنگونی این حکومت شود (لیوینگستون، ۱۳۷۵: ۳۷). به‌دنبال آن، در ششم آوریل سال ۱۸۶۸م، در حالی که فقط سه ماه از استقرار امپراتورمیجی (۱۸۶۸-۱۹۱۲) می‌گذشت،

مشاوران امپراتور مواد پنج‌گانه‌ای را برای امضا به وی تقدیم کردند. ابلاغ این مواد پنج‌گانه در آن روز، اساس سیاست ملی آینده‌ی کشور را تعیین نمود (هنشل، ۱۹۹۹: ۷۱):

۱. برپایی مجالس مشورتی در تمام سطوح کشور
 ۲. مشارکت کلیه طبقات مردم در اداره‌ی امور کشور
 ۳. آزادی برای کلیه اشخاص در اتخاذ شغل مورد علاقه‌ی خود
 ۴. لغو کلیه آیین‌ها و سنت‌های بد گذشته
 ۵. جستجوی دانش در سراسر جهان برای استوار کردن کشور
- بلافاصله تلاش اصلاح طلبان برای ایجاد دستگاه اداری جدید آغاز شد. این گروه اصلاح طلب، طیف وسیعی از افراد جامعه را در برمی گرفت. از حدود یک صد نفر از رهبران جنبش، که اکثریت آن‌ها برخاسته از طایفه‌های ساتسوما، جوشو، با میانگین سنی سی تا چهل سال و برآمده از قشر میانی سامورایی بودند، شخصیت‌های زیر شناخته شده‌ترین‌شان به شمار می‌رفتند: از اشرافیت درباری: سانجوساتومی (۱۸۳۷-۱۸۹۱م)، به‌عنوان رئیس شورای حکومتی. ایواکوراتومومی (۱۸۲۵-۱۸۸۳م)، به‌عنوان وزیراعظم. از قبیله ساتسوما، سایگوتاکاموری (۱۸۲۷-۱۸۷۷م)، رهبر نظامی که در جنگ با خاندان توکوگاوا (۱۶۰۳-۱۸۶۷م) نقش اساسی در مذاکرات و تسلیم نهایی آنان داشت؛ اکوبوتوشیمچی^۱ (۱۸۳۰-۱۸۷۸م) مغز متفکر اصلاحات و وزیر کشور، ماتسوکاتاماسایوشی^۲ (۱۸۳۵-۱۹۱۵م) وزیر دارایی. از قبیله جوشو،^۳ کیدوکوین^۴ (۱۸۳۳-۱۸۷۷م)، نماینده‌ی ارشد طایفه جوشو، اینوئه کائورو^۵ (۱۸۳۵-۱۹۱۵) وزیر امور خارجه، ایتوهیروبوومی^۶ (۱۸۴۱-۱۹۰۹م)، اولین نخست وزیر دولت مشروطه و چهار دوره نخست وزیر به صورت متناوب؛ و یاماگاتا آریتومو^۷ (۱۸۳۲-۱۹۲۲م)، پایه‌گذار ارتش نوین ژاپن.

1. okubo Toshimichi

2. Matsukta Masayoshi

3. Choshu

4. Kido Koin

5. Inoue Kaora

6. Ito Hirobumi

7. Yamagata Aritomo

وجوه مشترک افراد مذکور عبارت بودند از: بیش تر آنان از خانواده‌های متوسط یا پایین سامورایی بودند. چون از اشرافیت زمین دار نبودند، بیش ترشان در دستگاه اداری و یا نظامی حکمران منطقه کار می‌کردند. همگی کما بیش دارای تحصیلات خوبی بودند. روحیه وفاداری، و حس وطن پرستی و فداکاری داشتند (رجب زاده، ۱۳۶۵: ۲۳۰؛ هان، ۲۰۰۲: ۸۳). در همین رابطه، اصول اندیشه‌ی سیاست‌های اقتصادی ژاپن بر موارد زیر مبتنی بود (نقی زاده، ۱۳۶۶: ۳۴): ۱. واردات مواد خام از خارج؛ ۲. تولید کالا در وطن؛ ۳. مصرف کالاهای وطنی؛ ۴. صادرات کالاهای وطنی.

در آغاز دوره‌ی میجی که رهبران ژاپن با غرب آشنا شدند، دریافتند بینه‌ی اقتصادی و به‌خصوص صنعتی ساختن کشور، رکن اساسی تحقق قدرت ملی و تأمین امنیت ژاپن است (اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۸). رجال سیاسی در عصر میجی پی‌بردند که استقلال مملکت بستگی به گسترش و پیشرفت اقتصادی دارد. آنان از تمام ظرفیت‌های کشور در راستای توسعه اقتصادی ژاپن استفاده می‌کردند. نمونه‌ی این کار را می‌توان در اعزام همزمان هیئت‌های دیپلماتیک و تجاری به کشورهای دیگر مشاهده نمود. از همین رو، وقتی در سال ۱۳ میجی (۱۸۸۰م)، بویانوموتو^۱ وزیر دربار و اینوئه کائورو، وزیر امور خارجه، یک کشتی جنگی روانه‌ی دیدار از بنادر گوناگون تا خلیج فارس کردند، تسونه تامی سانو^۲، وزیر مالیه ژاپن، این فرصت را غنیمت شمرد و خواست در کنار این مأموریت و در همان مسیر، کوششی هم برای باز کردن راه بازرگانی خارجی انجام شود. به‌همین دلیل، از گروه تجاری اوکورا^۳ خواست که هیئتی از بازرگانان را روانه کند (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۳۳).

در سفرنامه‌ی یوشیدا ماساهارو^۴، رئیس نخستین هیئت فرستاده از طرف ژاپن به ایران در دوره ناصرالدین شاه قاجار در سال‌های ۱۲۹۷-۱۲۹۸ ه.ق، نیز بر همین نکته تأکید دارد: «ناصرالدین شاه: آیا همه‌ی بازرگان‌های هیئت شما برای بررسی وضع بازارهای ایران به اینجا آمده‌اند؟ (یوشیدا) بله، البته دولت امپراتوری ژاپن ما را مأمور ساخته است که درباره‌ی

-
1. Buyo Inomoto
 2. Tsunetami Sano
 3. Okura
 4. Masaharu Yoshida

رابطه‌ی بازرگانی مذاکره کنیم» (یوشیدا، ۱۳۷۳: ۱۸۹). به هر حال، تجدید اقتصاد با تحول در کشاورزی آغاز شد و کشاورزی پایه‌ی توسعه اقتصادی گردید و بیش‌تر سرمایه‌ای که در بخش خصوصی یا دولتی، صنایع میجی را به راه انداخت، فراهم ساخت. تمرکز ثروت در دست ملاکان، عامل مهمی در تشکیل سرمایه‌های کلان برای طرح‌های صنعتی و اقتصادی گردید. توسعه ماهی‌گیری و بهبود تجهیزات آن، سبب شد که ماهی‌گیری در آغاز قرن بیستم میلادی به صنعت عمده‌ای در ژاپن تبدیل شود. توسعه این صنعت توانست نیاز روزافزون جمعیت در حال رشد (در دوران میجی، از ۳۰ به ۵۰ میلیون نفر رسید) به مواد غذایی را تأمین نماید (نواب صفوی، ۱۳۸۰: ۱۸).

ابریشم یکی دیگر از کالاهای صادراتی ژاپن بود که صادرات آن از دهه ۱۸۶۰م آغاز شد. در سال‌های بعد صادرات آن از رشد بیش‌تری برخوردار گردید، به گونه‌ای که تا سال ۱۸۸۰م، بیش از ۴۳ درصد از صادرات کشور را تشکیل می‌داد. به همین دلیل، دولت اولین کارخانه‌ی ریسندگی را در سال ۱۸۷۲م افتتاح کرد (مرتون، ۱۳۶۴: ۲۴۰).

اهمیت بخش کشاورزی را می‌توان به نسبتی که مالیات بر اراضی در شاخص درآمدهای مرکزی و محلی حکومت طی سال‌های اولیه‌ی دوره‌ی میجی داشته است، به خوبی استنباط کرد. نسبت مذکور بین سال‌های ۱۸۷۳-۱۸۷۸م، برابر با ۷۳ درصد بود که بین سال‌های ۱۸۷۹-۱۸۸۳م، به ۶۴ درصد رسید و در اواخر دوره‌ی میجی به ۲۰ درصد رسید.

دولت همچنین با پیش‌بینی پیشرفت اصلاحات، نسبت به استخدام مریبان و متخصصان و مهندسان خارجی اقدام نمود، تا بدین وسیله برخی از دستگاه‌ها و تأسیسات تازه را اداره و در ادامه، ژاپنی‌ها را نیز برای آینده‌ی این کارها تربیت نمایند (ژاپن در تحول، ۱۹۷۸: ۳۹). تنها وزارت فواید عامه تا سال ۱۸۷۹م، حدود ۱۳۰ کارشناس و مشاور خارجی استخدام کرد. در این زمینه سیاست دولت براین بود که کارشناسان خارجی دست‌یاران و مشاوران ژاپنی خود را آموزش دهند و هرچه زودتر جایشان را به ژاپنی‌ها بسپارند. در سال ۱۸۷۵م تعداد ۵۰۰-۶۰۰ متخصص خارجی در خدمت دولت بودند. این تعداد تا سال ۱۸۹۰م به بیش از ۳۰۰۰ کارشناس رسید (رجب‌زاده، همان: ۲۹۵).

در ابتدا که ژاپنی‌ها فاقد مهارت و دانش لازم برای اداره صنایع و مملکت بودند، تعدادی از محصلین را به خارج فرستادند و همزمان به تأسیس مراکز آموزش عالی و استخدام مستشاران خارجی دست زدند. پس از آن که ژاپنی‌های تحصیل کرده به حد کافی رسیدند، به تدریج این افراد را جای‌گزین مستشاران خارجی کردند (رجب‌زاده، همان: ۲۵۵).

ژاپن نمی‌خواست به سرمایه‌های خارجی متکی شود، ولی در سال ۱۸۷۳ میلادی، یک وام ۲/۴ میلیون لیره‌ای، با بهره هفت درصد، از انگلستان گرفته شد. سپس، برای ساختن راه آهن توکیو به بندر یوکوهوما، وامی به مقدار نیمی از مبلغ مذکور، باز هم از انگلستان، اخذ شد (مرتون، همان: ۱۹۴). هرچند در آن سالیان گسترش صنعت مورد پشتیبانی دولت بود، اما هنوز کشاورزی ستون اقتصادی ژاپن را تشکیل می‌داد. در سال ۱۸۸۰ م در حدود ۷۵ درصد جمعیت به کار کشاورزی مشغول بودند و ۸۰ درصد از درآمدهای مالیاتی از بخش کشاورزی تأمین می‌شد. بحران مالی سال ۱۸۸۰ م در پرداخت‌ها، سبب شد که دولت مردان یک‌بار دیگر در صدد اخذ وام خارجی برآیند. اما وزیر دارایی وقت، ماتسوکاتا ماسایوشی، با صرفه‌جویی و شدت در انضباط مالی، اندک‌اندک وضع مالی دولت را به مسیر صحیح هدایت کرد. وی با فروش کارخانه‌ها و شرکت‌های دولتی، زمینه را برای ایجاد گروه‌های تجاری یا زیباتسوها^۱ (گروه ثروتمند) را فراهم کرد، تا بدین وسیله دولت بنیادهای سرمایه‌داری جدید در کشور را پایه‌گذاری کند (مرتون، همان: ۲۰۵).

جدول ۴. صادرات و واردات ژاپن و رشد فزاینده آن بین سال‌های ۱۹۰۷-۱۸۷۸ م (اطلس هاموند، ۲۰۰۲: ۱۲۷)

سال	صادرات به میلیون ین	واردات به میلیون ین	تراز تجاری
۱۸۷۸-۱۸۸۲	۳۰/۳	۳۲/۶	-۲/۳
۱۸۸۳-۱۸۸۷	۴۱/۷	۳۲/۸	+۸/۹
۱۸۸۸-۱۸۹۲	۷۲/۶	۶۹/۵	-۳/۱
۱۸۹۳-۱۸۹۷	۱۲۴	۱۴۵/۲	-۲۱/۲
۱۸۹۸-۱۹۰۲	۲۱۹/۲	۲۶۲/۵	-۴۳/۳
۱۹۰۳-۱۹۰۷	۳۵۷/۳	۴۱۸	-۶۰/۷

1. zaibatsu

توضیح. تا پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸م) هر لیره انگلیسی تقریباً معادل با ده ین ژاپن بوده است.

جدول ۵. رشد آهنگ تولید ناخالص ملی سرانه ژاپن بین سال‌های ۱۸۶۰-۱۹۰۰. به دلار آمریکا
(کان، ۱۳۵۸: ۳۰۵)

سال میلادی	۱۹۰۰	۱۸۸۰	۱۸۶۰
تولید ناخالص ملی سرانه (دلار)	۲۰۰	۱۰۰	۷۰

نتیجه‌گیری

مقدمه‌ی تحول ذهنی و فرهنگی ایران از زمان عباس میرزا، با فرستادن دانش‌جویان به اروپا، دعوت مستشاران خارجی و ترجمه برخی از کتاب‌های خارجی آغاز شد. بزرگ‌ترین هدف اصلاحات در زمان امیرکبیر و سپهسالار، آگاهی و تربیت اهالی کشور بود، تا بدین وسیله، مقدمه‌ی تحول ذهنی را در کشور فراهم سازند. اما از نقاط ضعف اصلاح‌گرایان در ایران اقتدارگرایی و تمرکز اختیارات و قدرت در شخص صدراعظم و عدم استفاده از مشاوران خارجی بود. در این میان، عدم وجود افراد واقع‌گرا و آگاه به مسایل سیاسی و بین‌المللی نیز مشکلات کشور را دوچندان می‌ساخت. اما در مقابل، در ژاپن افراد اصلاح‌طلب با تشکیل یک گروه کاری، اداره‌ی مراکز حساس و مدیریتی کشور را در دست گرفتند. این گروه با تعریفی واضح و دقیق از اصلاحات، طی فرمان پنج ماده‌ای، دامنه اصلاحات و پشتیبانی از آن را تا دورترین نقاط کشور گسترش دادند.

این یک واقعیت غیرقابل انکار است که هنگام وقوع یک بحران، تقسیم کار و حل مشکلات از طریق خرد جمعی نتیجه بسیار مطلوب‌تری را به دنبال خواهد داشت. از طرفی، نقطه‌ی قوت این روش کشورداری انعطاف‌پذیری آن در مقابل حذف هر کدام از رؤسای آن است. در مقابل، در ایران از مشکلات اصلاح‌گرایان بی‌توجهی به مسئله‌ی جانشینی و تربیت نکردن نسل دوم از افراد تجدد خواه برای ادامه‌ی مسیر بود. تمرکز فوق‌العاده‌ی قدرت در دستان صدراعظم، عدم تعریف دقیق از اصلاحات برای اقشار جامعه و تشکیل نشدن گروهی

مشکل از عناصر ترقی خواه، سبب شد با حذف صدراعظم‌های اصلاح طلب، نظیر امیرکبیر و سپهسالار، کل جریان اصلاحات متوقف شود.

به‌طورکلی، عوامل متعددی در ضعف اقتصاد ایران دخالت داشتند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: فقدان نیروی متخصص و تحصیل کرده برای پیشبرد اهداف اقتصادی. عامل دیگر هزینه‌های سنگین نیروهای نظامی و دربار بود که همه ساله بخش مهمی از درآمدهای دولت صرف آنان می‌شد. افزایش قروض کشور (جدول ۱) که هزینه بازپرداخت اقتصاد کشور را روز به روز ناتوان‌تر می‌ساخت. همه این موارد، در حالی صورت می‌گرفت که مطابق جدول ۳، درآمدهای ایران طی یک قرن از رشد ثابتی برخوردار بود. شرایط جغرافیایی کشور، از جمله سواحل نامناسب، سرزمین کوهستانی، عدم دسترسی استان‌های ثروتمند شمالی به دریاهای آزاد، به همراه عدم توسعه راه‌های ارتباطی، ضعف حکومت مرکزی و سلطه ضعیف آن بر نواحی گسترده‌ای از کشور، عامل عمده‌ای در عدم امنیت اقتصادی و سیاسی در ایران بود.

اما در ژاپن، حکومت میجی سعی نمود با ارتقاء فرهنگ عمومی و تربیت محصلین کوشا، زمینه‌های رشد علوم و فنون مختلف را در جامعه گسترش دهد. دولت ژاپن توانست با این راه‌کار زمینه‌ی حضور نیروهای فعال نهفته در جامعه را به‌منظور بهره‌گیری هرچه بیش‌تر از توان ملی فراهم سازد. پایین بودن هزینه‌های دربار و تشکیل گروه‌های اقتصادی قدرتمند مورد حمایت دولت، زمینه‌ی حضور فعال ژاپن را در اقتصاد جهانی فراهم ساخت. بانگاهی به جدول شماره ۵، شاهد رشد ۳ برابری درآمد سرانه‌ی ژاپن در مدت چهل سال می‌شویم. از طرفی، با مقایسه‌ی جداول ۲ و ۴، درمی‌یابیم، درحالی‌که صادرات و واردات ایران طی یک قرن تقریباً ۲/۵ برابر شده، در ژاپن طی مدت سی سال، این مقدار به بیش از ۱۲ برابر رسیده است. همه‌ی این موارد باعث شد که ژاپن در طی نیم قرن، از اقتصادی روستایی و جامعه‌ای بسته، به یکی از قدرت‌های مهم و تأثیرگذار بین‌المللی تبدیل شود؛ در صورتی که ایران طی همین مدت، بدون توجه به تحولات جهانی و ظرفیت‌های موجود، به کشوری مقروض با اقتصادی مبتنی بر صادرات مواد خام و متأثر از رقابت‌های دو قدرت روسیه و انگلیس، تبدیل شد.

کتابنامه

۱. آبراهامیان، یرواند. ۱۳۸۹، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه‌ی احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نی.
۲. آدمیت، فریدون. ۱۳۸۵، *امیرکبیر و ایران*، چ ۹، تهران، خوارزمی.
۳. _____ . ۱۳۸۵، *اندیشه ترقی و حکومت قانون*، چ ۳، تهران، خوارزمی.
۴. آوری پیترو، ملویل چارلز و همبلی گویل. ۱۳۸۸، *تاریخ ایران (دوره‌ی افشار، زند و قاجار)*، از مجموعه کمبریج، ترجمه‌ی مرتضی ثابت‌فر، چ ۲، تهران، جامی.
۵. اسمیت، دنیس. ۱۳۷۷، *تاریخ اقتصادی ژاپن*، ترجمه‌ی محمد حسین وقار، تهران، اطلاعات.
۶. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. ۱۳۷۴، *چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)*، به کوشش ایرج افشار، ج ۲، چ ۲، تهران، اساطیر.
۷. _____ . ۱۳۶۳، *تاریخ منتظم ناصری*، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران، دنیای کتاب.
۸. _____ . ۱۳۸۵، *خاطرات اعتماد السلطنه*، چ ۶، تهران، امیرکبیر.
۹. پولاک، یاکوب ادوارد. ۱۳۶۸، *سفرنامه‌ی پولاک*، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، چ ۳، تهران، خوارزمی.
۱۰. جمالزاده، محمد علی. ۱۳۸۴، *گنج شایگان*، چ ۳، تهران، سخن.
۱۱. حاج سیاح. ۱۳۵۹، *خاطرات حاج سیاح*، به کوشش حمید سیاح، چ ۳، تهران، امیرکبیر.
۱۲. خورموجی، محمد جعفر. ۱۳۶۳، *حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، نی.
۱۳. رجب‌زاده، هاشم. ۱۳۶۵، *تاریخ ژاپن از آغاز تا دوره‌ی معاصر*، تهران، رامین.
۱۴. رنه دالمانی، هانری. ۱۳۷۸، *از خراسان تا بختیاری*، ترجمه‌ی غلامرضا سمیعی، چ ۲، تهران، طاووس.
۱۵. *ژاپن در عصر تحول*، ۱۹۷۸، انتشارات وزارت امور خارجه‌ی ژاپن، چ ۲.
۱۶. عضدالدوله، احمد میرزا. ۱۳۹۰، *تاریخ عضدی*، تهران، خانه‌ی تاریخ و تصویر ابریشمی.
۱۷. عیسوی، چارلز. ۱۳۸۸، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه‌ی یعقوب آژند، چ ۳، تهران، گستره.

۱۸. فوران، جان. ۱۳۸۸، *مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)*، ترجمه‌ی احمد تدین، چ ۹، تهران، رسا.
۱۹. فوروکاوا، نوبیوشی. ۱۳۸۴، *سفرنامه‌ی فوروکاوا*، ترجمه‌ی هاشم رجبزاده و کیجی ئه اورا، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۰. کاتوزیان، محمدعلی همایون. ۱۳۸۷، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه‌ی محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چ ۱۴، تهران، مرکز.
۲۱. کان، هرمان. ۱۳۵۸، *ژاپن*، ترجمه‌ی سروش حبیبی، تهران، خوارزمی.
۲۲. کرزن، جورج ناتانیل. ۱۳۸۷، *ایران و قضیه‌ی ایران*، ترجمه‌ی غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، چ ۶، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۳. لسان‌الملک‌سپهر، میرزا محمدتقی. ۱۳۷۷، *ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه)*، به اهتمام جمشید کیانفر، ج ۱، تهران، اساطیر.
۲۴. لیوینگستون جون، مور جو و اولدفادر فیلیشیا. ۱۳۷۵، *شناخت ژاپن*، ترجمه‌ی احمد بیرشک، ج ۱، تهران، خوارزمی.
۲۵. ماساهارو، یوشیدا. ۱۳۷۳، *سفرنامه‌ی یوشیدا ماساهارو*، ترجمه‌ی هاشم رجبزاده، مشهد، آستان قدس رضوی
۲۶. مرتون، اسکات. ۱۳۶۴، *تاریخ و فرهنگ ژاپن*، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، امیر کبیر.
۲۷. نفیسی، سعید. ۱۳۶۶، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر*، ج ۱، تهران، بنیاد.
۲۸. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۶۶، *ژاپن و سیاست‌های امنیت اقتصادی آن*، تهران، نگارش.
۲۹. نواب صفوی، اسماعیل. ۱۳۸۰، *جایگاه ژاپن در جهان معاصر*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۳۰. هدایت، مهدی قلی خان (مخبرالسلطنه). ۱۳۶۳، *گزارش ایران (قاجاریه و مشروطه)*، تهران، نقره.
31. Hammond Concise .2002, *Atlas of World History*, Edited by Geoffrey Barraclough, 6th Edition.
32. Hane, Mikiso and Louis. G, Perez. 2002, *Modern Japan*, West View Press, Fourth Edition.
33. Henshall, Kenneth.G .1999, *A History of Japan*, St. Martin's Press, New York, p71.